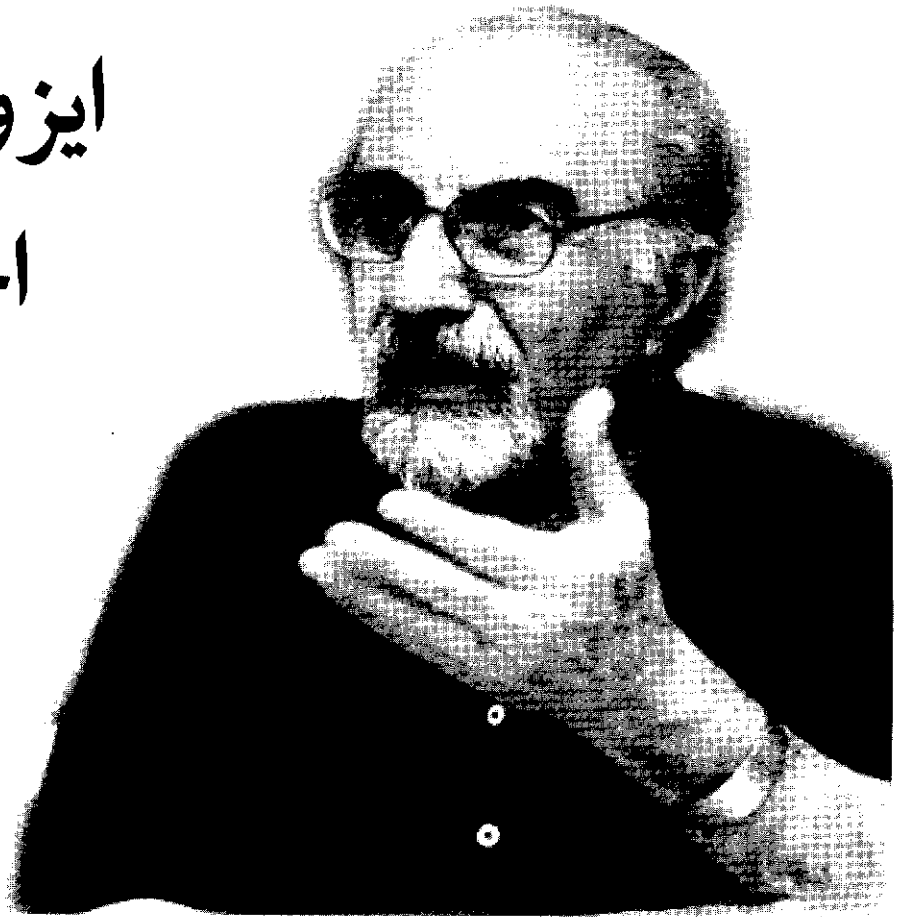


ایزوتسو و مفاهیم اخلاقی قرآن

گفت‌وگو با فریدون بدره‌ای



فریدون بدره‌ای، مترجم و زبان‌شناس معاصر، بعد از اخذ لیسانس در رشته ادبیات فارسی، در رشته زبان‌شناسی به ادامه تحصیل پرداخت و موفق به اخذ مدرک دکتری در رشته زبان‌شناسی همگانی و زبانهای باستانی شد. اگر چه بیشتر کارهای نوشتاری او در ارتباط با موضوعات تاریخی است، ولی در زمینه موضوعات قرآنی نیز کتابهایی از فریدون بدره‌ای انتشار یافته است که از آن جمله می‌توان به تالیف «کورس کبیر در قرآن مجید وعهدہ عتیق» و ترجمه «مفاهیم اخلاقی دینی در قرآن مجید» اثر ایزوتسو و «واژه‌های دخیل در قرآن» اثر آرتور جفری اشاره کرد. به مناسبت چاپ مجدد کتاب «مفاهیم اخلاقی دینی در قرآن» با ایشان به گفت‌وگو نشستیم.

قرآن که در ۱۹۵۹ به وسیله دانشگاه کیو در توکیو منتشر شد و سپس در ۱۹۶۶ با تجدیدنظر و افزایش و کاهش تحت عنوان ساختار مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن در کانادا انتشار یافت. کتاب اخیر با آنکه ویرایش جدید کتاب اول است با آن تفاوت فاحش دارد و این تفاوت در عنوان کتاب نیز به چشم می‌خورد. زیرا کتاب اول ساختار اصطلاحات اخلاقی... نام دارد، دومی ساختار مفاهیم اخلاقی دینی...؛ و روشن است که ساخت اصطلاحات با ساخت مفاهیم فرق دارد. باری، این ویرایش دوم را من در سال ۱۳۶۰ به فارسی ترجمه کردم و از سوی انتشارات قلم تحت عنوان ساختار مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن مجید چاپ شد. این چاپ به علت اشتباهی و استفاده از «پانچ کارت» چاپ زینده‌ای که شایسته چنین کتابی باشد از کار درنیامد و حتی برای آنکه حجم کتاب زیاد نشود ترجمه آیات در آن آورده نشد. تا اینکه در سال ۱۳۷۸ نشر و پژوهش فرزانه روز با انتشار ویرایش جدید آن موافقت کرد و کتاب با اضافات و اصلاحات در ۵۲۰ صفحه به چاپ رسید. متأسفانه در این ویرایش جدید در عنوان کتاب سهوی رخ داده و کلمه ساختار از عنوان کتاب افتاده است. علت اینکه این نکته را یادآور می‌شوم به خاطر آن است که این کلمه به کسی که اهل تحقیق باشد و با علوم اجتماعی و زبان‌شناسی آشنایی داشته باشد، بسیار چیزها می‌گوید. از جمله اینکه وقتی چیزی دارای ساختار باشد، یعنی از اجزا و عناصری تشکیل شده است و این اجزا و عناصر به شیوه خاصی نظم و نسق یافته‌اند و به آسانی نمی‌توان جزئی را بی‌آنکه در نقش اجزای دیگر و ارتباطات اجزای دیگر با هم تغییری حاصل شود، تغییر داد. به عبارت دیگر، در یک ساختار هر جزء و هر عنصر تنها در ارتباط با عناصر دیگر دارای نقش و معنا است. پس، همین یک

پیش از آنکه به پرسشهای شما پاسخ گویم لازم است نکته‌ای را توضیح دهم. شما در دو شماره از مجله گلستان قرآن یعنی شماره ۱۴ و ۱۷ دو مقاله درباره کتاب مفاهیم اخلاقی دینی در قرآن مجید نوشته استاد و اسلام‌شناس فقید ژاپنی توشی‌هیکو ایزوتسو، که من ترجمه کرده‌ام، چاپ کرده‌اید. در مقاله اول، قسمتی از نقد و بررسی را که دانشمند محترم آقای حسین معصومی همدانی در مجله نشر دانش بر چاپ اول این کتاب نوشته بوده‌اند نقل کرده‌اید بی‌آنکه حتی نامی از کتاب و مشخصات آن برده باشید. در مقاله دوم، تحت عنوان «ایزوتسو و بازساخت تطبیقی مفهوم ایران» نیز نویسنده محترم نامی از کتاب مفاهیم اخلاقی دینی در قرآن مجید نمی‌برند، ولی در آخر مقاله قرآن‌دوستان و قرآن‌پژوهان را به خواندن «این کتاب تحقیقی ارزشمند» فرا می‌خوانند، معلوم نیست این خوانندگان و پژوهندگان این تحقیق بی‌نام و نشان را از کجا باید به دست آورند. به نظر من درست‌تر و منطقی‌تر این بود که شما، قبل از درج آن دو مقاله، حتی اگر در ستون انتشارات و کتابهای جدید هم می‌بود، کتاب را معرفی می‌کردید و مانند سایر جاها که کرده‌اید وعده می‌دادید که بعداً درباره آن گفتارهایی به چاپ خواهید رسانید.

باری، این کار نشده است و من ناچار اکنون که قرار است درباره این کتاب گفت‌وگو کنم، اول کتاب را معرفی می‌کنم. مرحوم ایزوتسو غیر از ترجمه قرآن به زبان ژاپنی تا آنجا که من خبر دارم و دیدم کتابی درباره تجزیه و تحلیل معنائسانه مفاهیم و مضامین قرآن دارد. از این دو یکی کتاب خدا و انسان در قرآن است که آن را شادروان احمد آرام ترجمه کرده‌اند و در ۱۳۶۱ از سوی شرکت سهامی انتشارات در تهران به چاپ رسید. دوم ساختار اصطلاحات اخلاقی در

کلمه در عنوان کتاب به ما می‌گوید مؤلف از چه دیدگاهی به مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن می‌نگرد. او این مفاهیم را به صورت یک منظومه می‌بیند که هر مفهومی با مفهوم و مفاهیم دیگر ارتباط تنگاتنگ دارد و نادیده گرفتن یکی ممکن است به نقش و معنای مفهوم دیگر صدمه بزند. خوب، حالا پس از این مقدمات و معرفی کتاب بیاییم بر سر پرسش‌های شما.

○ از خودتان بگویید.

من در سال ۱۳۶۵ در یک خانواده متوسط‌ال‌حال در کرمانشاه به دنیا آمدم. پدر و مادر هر دو بی‌سواد بودند و چیزی که در خانه ما یافت نمی‌شد همانا کتاب بود. از این‌رو واقعاً خودم هم در شگفتم که چگونه اهل کتاب، کتابخوان، کتابدار و بالاخره نویسنده و مترجم شدم. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در شهر زادگاهم به پایان رسانیدم.

در سالهای آخر دبیرستان در روزنامه‌های محلی شهرم مقالات انتقادی و اجتماعی می‌نوشتیم. اول قرار بود در رشته پزشکی ادامه تحصیل دهم، از این‌رو در ششم طبیعی نام‌نویسی کردم، اما باز نمی‌دانم چطور شد که از رشته ادبی و از دانشکده ادبیات سر درآوردم. به هر حال، از دانشکده ادبیات لیسانس زبان و ادبیات فارسی گرفتم، وارد دوره دکتری شدم (در آن موقع دوره فوق لیسانس میان دوره لیسانس و دکتری حایل نبود) اما چون جوان بودم و سری پرشور داشتم، از شیوه تدریس در آن دوره خوشم نیامد. از این‌رو دبیری پیشه کردم و به شهرستانها رفتم. ضمناً باید بگویم تا این زمان یعنی حدود سالهای ۳۳ و ۳۴ دو مجموعه داستان کوتاه از نوشته‌هایم به چاپ رسیده بود به نامهای ناشناخته و دخترکی که مرد (و گمان می‌کنم که این دومی به زبان روسی هم ترجمه شد). چند داستان چاپ نشده هم داشتم (که هنوز هم چاپ نشده مانده‌اند).

در شهرستان ضمن تدریس به تحقیق و ترجمه هم دست زدم. دو مقاله درباره باستان‌شناسی و زبان‌شناسی ترجمه کردم که در کتاب مرزهای دانش چاپ شد، و سپس با داستان نوالترین در قرآن مجید دست و پنجه نرم کردم و کتاب کورش کبیر در قرآن مجید و عهد عتیق را نوشتم که در ۱۳۳۸ در همانان چاپ شد؛ و این اولین غور و بررسی من در قرآن و تفاسیر بود. در همان ایام و سالها فرقه اسماعیلیه تالیف مارشال گ.س. هاجسن را که اینک چاپ چهارم آن منتشر شده است و چند تا از کتابهای گردونه تاریخ را برای نوجوانان ترجمه کردم. ضمن خدمت در شهرستان متوجه شدم داشتن سواد و معلومات، بدون داشتن مدرک برای ارتقای درجات کافی نیست. از این‌رو به تهران بازگشتم و این بار در رشته فوق‌لیسانس زبان‌شناسی که رشته جدیدی بود - و ریاست گروه را نیز شادروان دکتر محمدمقدم که مردی وارسته، صمیمی، پاکدل و دوست‌منش بود برعهده داشت - نام نوشتم و آن دوره و دوره دکتری را در رشته زبان‌شناسی همگانی و زبانهای باستانی به پایان رسانیدم. البته همزمان با تحصیل کار هم می‌کردم، دبیر بودم، سپس به گروه ویراستاران مجله پیک نوآموز و دانش‌آموز و معلم پیوستم. بعد از آن به عنوان ویراستار به انتشارات دانشگاه رفتم، بعد به کتابخانه مرکزی دانشگاه ضمن همه اینها در گروه زبان‌شناسی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران زبان‌شناسی و در مدرسه عالی ایران زمین در گروه کتابداری، کتابداری و مرجع‌شناسی درس می‌دادم. بعد از گرفتن دکتری، ضمن حفظ تدریسهای خود در دانشگاه تهران و مدرسه ایران زمین، به فرهنگستان زبان ایران که تازه تاسیس شده بود رفتم و تا سال ۱۳۵۵-۱۳۵۶ که به رایزنی فرهنگی ایران در پاکستان منصوب شدم در آن فرهنگستان به عنوان پژوهشگر، پژوهشیار و سرپرست پژوهشگاه واژه‌های فارسی کار می‌کردم. بعد از انقلاب به ایران بازگشتم و به مدیرکلی کتابخانه ملی ایران منصوب شدم و در این سمت بودم تا بازنشسته شدم.

○ چگونه با ایزوتسو آشنا شدید؟

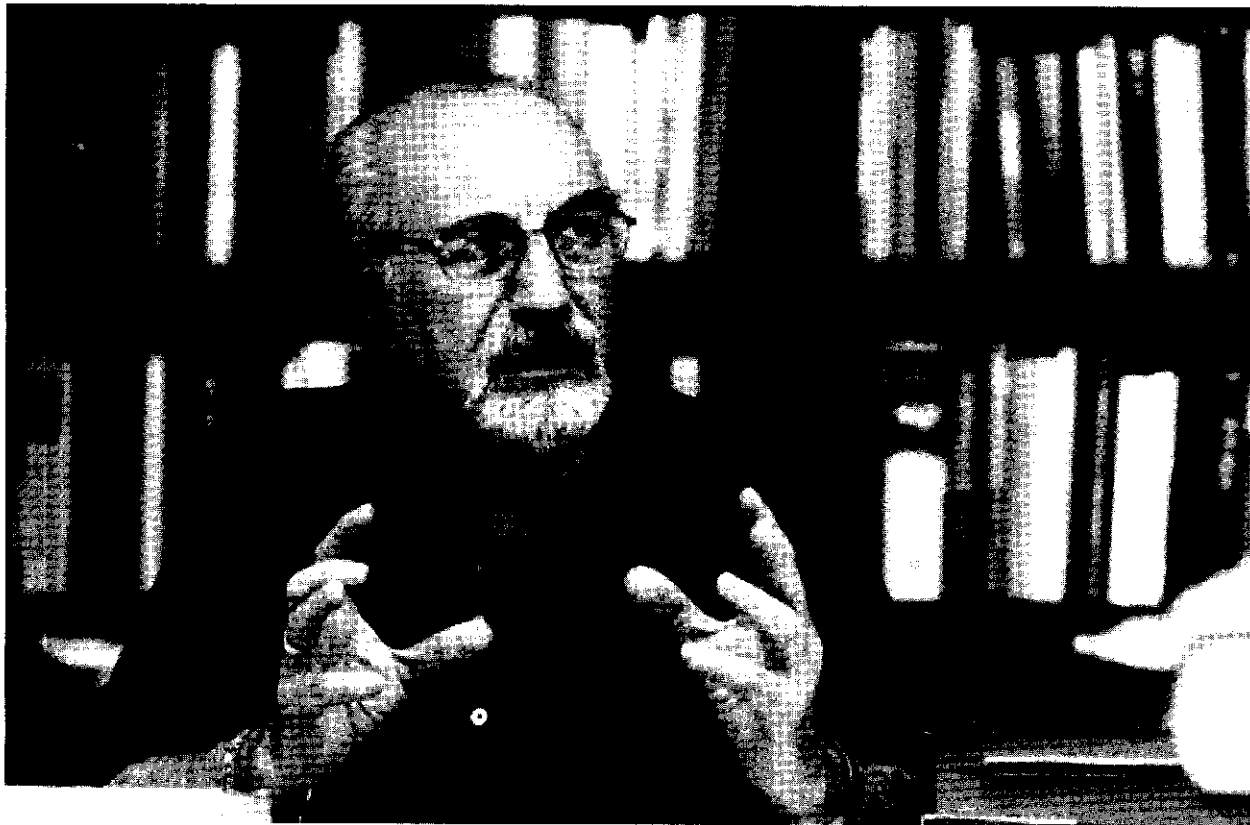
می‌پرسید چگونه با ایزوتسو آشنا شدم. برحسب اتفاق. اول با کتابهایش سپس با خودش. من موضوع رساله دکتری خود را مسئله معنا در زبان‌شناسی انتخاب کرده بودم. از این‌رو پیوسته در جستجوی منابع تحقیق بودم. تصادفاً روزی در کتابخانه مرکزی که در آن موقع خودم سمت معاون آن را داشتم به دو تا از کتابهای ایزوتسو برخوردیم. یکی زبان و جادو. بررسی‌هایی در نقش جادویی گفتار نام داشت که از سوی مؤسسه تحقیقات فیلولوژی (فقه اللغوی) دانشگاه کیو در ۱۹۵۶ چاپ شده بود و دیگری ساختار اصطلاحات اخلاقی در قرآن. بررسی در معناشناسی (۱۹۵۹) که آن نیز از سوی همان دانشگاه چاپ شده بود و ظاهراً مجلد دوم از سلسله انتشارات آن دانشگاه درباره زبان‌شناسی و معناشناسی بود. کتاب اول ایزوتسو یعنی زبان و جادو زیاد توجهم را جلب نکرد، اما کتاب دوم را، بویژه بحثهای نظری آن را به دقت خواندم. از آنجا نام و یاد ایزوتسو در ذهنم ماند تا اینکه او را در انجمن فلسفه دیدم. آقای دکتر مهدی محقق ما را به هم معرفی کرد. و ما در آنجا چند لحظه‌ای با هم سخن گفتیم و بس. همین چند لحظه کافی بود که برای همیشه قیافه محبوب، چشمان نافذ، پیشانی بلند و نحوه آرام سخن گفتن او به زبان انگلیسی در خاطرم بماند. من همین یک‌بار ایزوتسو را دیدم. البته این را نیز بگویم که من رساله دکتری خود را به علت دسترسی نداشتن به منابع جدید تحقیق و یک استاد راهنمای معناشناسی به معنای جدید، در موضوع انتخابی خود نوشتم و آن را به موضوعی عینی‌تر و شاید هم کارآمدتر یعنی واژگان نوشتاری کودکان دبستانی ایران تغییر دادم. این بررسی بعد از آنکه دکتریم را گرفتم و در فرهنگستان زبان ایران به کار مشغول شدم، به همین نام در ۱۳۵۲ چاپ شد.

○ چه چیزی در کارهای ایزوتسو سبب توجه شما به او شد؟

همانطور که گفتم من قبلاً موقعی که کتاب کورش کبیر در قرآن مجید و عهد عتیق را می‌نوشتیم، تا حدی با روشهای سنتی تفسیر و تحقیق قرآنی آشنایی یافته بودم و دریافته بودم که با چه دشواری می‌توان از لایبلائی موشکافی‌های طولانی آنها که گاهی هم خسته‌کننده بود نکته‌ای را بیرون کشید. اما بحثهای ایزوتسو سراسر روش و روشن و روشمند بود، و همه‌جا یک نظریه منسجم زبان‌شناسی - معناشناسی آن را پشتیبانی می‌کرد. این بود که شیوه‌کار او به نظرم دلپسند نو و خواندنی آمد و دریغ آمد که دیگران نیز از آن بهره نبرند. این بود که به ترجمه آن پرداختم شاید قرآن پژوهان ما را تشویق کند که از روش‌های جدید زبان‌شناسی و معناشناسی، ونه فقط روشهایی که ایزوتسو به کاربرده است در کارهای خود سود جویند.

○ در ارتباط میان زبان و فرهنگ، به‌طور مشخص میان فرهنگ قبیله‌ای و زبان وحی چه ارتباطی وجود داشته است؟

مسئله ارتباط میان زبان و فرهنگ مساله پیچیده‌ای است و بر سر آن بحثها شده است. بعضی از مردم شناسان و زبان‌شناسان این ارتباط را چنان تنگاتنگ می‌بینند که سخن گفتن از یکی بدون سخن گفتن از دیگری ممکن نیست. بعضی دیگر میان این دو هیچ رابطه ذاتی نمی‌بینند و می‌گویند چه بسا ممکن است که سخنگویان به یک زبان دارای فرهنگهای متمایزی باشند، یا سخنگویان به چند زبان دارای فرهنگ واحدی باشند. این مساله در مورد پرسش شما از ارتباط میان فرهنگ قبیله‌ای عرب و زبان وحی، پیچیده‌تر می‌شود. زیرا اول باید دید که مراد از زبان وحی چیست؟ آیا همان عربی مبینی است که قرآن از آن یاد می‌کند یا این عربی مبین تظاهر و تجلی ناسوتی و دنیوی آن زبانی است که از عالم بالا بر دل و جان پیامبر(ص) نازل شده است.



به هر حال، این نکته بس ظریفی است و من در صلاحیت خود نمی‌بینم که بدان وارد شوم.

○ زبان تا چه حدی راهنمای ما به اخلاق و مفاهیم اصولی است؟

زبان مستقیماً ربطی به اخلاق ندارد، هر مفهوم اخلاقی را می‌توان به هر زبانی بیان کرد. اخلاق و ارزشهای اخلاقی با فرهنگ یک جامعه ارتباط دارد. شاید منظورتان این است که آیا زبان می‌تواند مفاهیم اخلاقی و نیز مفاهیم اصولی دیگر را بیان کند یا نه. واقع امر این است که زبان وسیله ناقصی برای بیان مفاهیم به‌طور کلی است. هیچ زبانی نمی‌تواند مفهومی را چنان به‌دقت بیان کند که شنونده از آن همان را دریابد که در ذهن گوینده هست. از ایروست که فیلسوفان و دانشمندان همواره در پی آن بوده‌اند که یک زبان منطقی مانند زبان ریاضی وضع کنند که بتوان با آن هر مفهومی را به دقت بیان کرد.

○ مفاهیم اخلاقی و دینی در قرآن چه تفاوتی دارند؟

مفاهیم دینی و اخلاقی در قرآن از هم جدایی ندارد، زیرا هر مفهوم اخلاقی در قرآن تهرنگی دینی یا اعتقادی دارد و بالعکس. ایزوتسو این نکته را به خوبی دریافته بوده است و به همین دلیل عنوان کتابش را در ویرایش دوم از ساختار اصطلاحات اخلاقی در قرآن به ساختار مفاهیم اخلاقی دینی در قرآن تغییر داده است.

○ ایزوتسو مطالعاتش را از چه زمانی آغاز کرد؟

من در این باره اطلاع دقیقی ندارم. این‌طور که نوشته‌اند وی در ابتدا متون

فلسفی یونانی و لاتین تدریس می‌کرده است، سپس به زبان‌شناسی و معناشناسی روی آورده، و از این راه به تحصیل زبان عربی کشیده شده است. بعد از آن، به فلسفه و کلام اسلامی، بویژه کلام شیعی پرداخته است. وی دانشمندی طراز اول بود و در همه دنیا شهرت داشت و عضو بسیاری از آکادمیهای معروف بود. برای تفصیل بیشتر از زندگی و آثار او می‌توانید به مقدمه کتاب خدا و انسان در قرآن و کتاب ساختار مفاهیم دینی - اخلاقی مراجعه کنید.

○ ترجمه ایزوتسو از قرآن تا چه حد از دقت برخوردار است؟

درباره درستی و نادرستی ترجمه ایزوتسو از قرآن کسی می‌تواند بحث کند که زبان ژاپنی و عربی را نیک بلداند. من مطلقاً زبان ژاپنی نمی‌دانم.

○ روش ایزوتسو در تجزیه و تحلیل معنایی چه بوده است؟

ایزوتسو در مقدمه کتابش به تفصیل روش کار خود را شرح داده است. استاد گرانمایه که حسین معصومی همدانی نیز در مجله نشر دانش در مقاله‌ای که به نقد و بررسی این کتاب پرداخته، دیدگاههای علمی و فلسفی او را به تفصیل باز نموده است. شما هم در شماره‌های پیشین مجله گلستان قرآن کوتاه‌شده آنها را نقل کرده‌اید. بنابراین، تکرار مطلب در اینجا ضرورتی ندارد.

○ در ارتباط با یک ترجمه فاخر از قرآن چه دیدگاهی دارید؟

من نمی‌دانم مراد از ترجمه فاخر قرآن چیست؟ اگر مقصود این است که قرآن به زبانی فاخر ترجمه شود اول باید زبان فاخر را تعریف کرد. من تاکنون در کتب زبان‌شناسی به چنین تعریفی برخورد کرده‌ام.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الحمد لله الذي جعل القرآن
لهذا اليوم من الآيات
التي تتنزل على قلوبنا
وغيرنا من عباده
الذين آمنوا به
ولم يشركوا
بشئ مما هو
عند ربهم
فصل في بيان
الآيات التي
تنزل على
القلوب
والذي هو
القرآن الكريم
الذي هو
الكلام
الذي هو
القرآن

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الحمد لله الذي جعل القرآن
لهذا اليوم من الآيات
التي تتنزل على قلوبنا
وغيرنا من عباده
الذين آمنوا به
ولم يشركوا
بشئ مما هو
عند ربهم
فصل في بيان
الآيات التي
تنزل على
القلوب
والذي هو
القرآن الكريم
الذي هو
الكلام
الذي هو
القرآن

أَشْرَكَ لِلْجِبْتِ وَالْأَوْصِيَاءِ وَاللَّعِينِ
مَا أَشْرَكَ ابْنُ تَمِيمٍ وَمَنْ يَتَّبِعُهُ
فَيَكْفُرْ بِمَا فِي يَدَيْهِ فَهُوَ كَمَا
كَفَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ
أَقْرَبُ أَقْرَبُ عَلِمَ الْأَنْضُرَ إِذَا
جَاءَهُ وَجَّهَكَ لِقَاءَ رَبِّكَ فَتَنَسَّلْ
خَلِّصْ إِلَهُ مَنِ اسْتَبَدَّ بِالضَّرِّ
مَنْ يَجْهَدْ بِالضَّرِّ إِذَا دَعَاهُ وَكَبُرَتْ

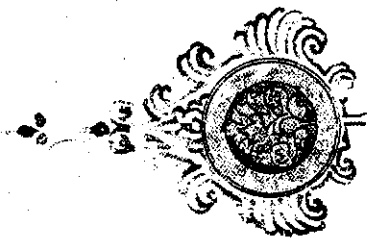
فَمَا كَانَ يَكُونُ طَوْبَهُ إِذْ كَانَ الْخَوْفُ
أَنْ لَوْ بَدَأَ اللَّهُ بِالسَّمْعِ وَالْبَصَرِ
فَلَمْ يَشَأْ أَنْ يَهْدِ اللَّهُ الْبَلِيغِينَ
بِمَا قَالُوا مِنْهَا وَأَنْظُرُوا عَلَيْهِمْ
عَطْرًا لِقَاءَ رَبِّهِمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ
رَحِيمٌ

لا اله الا الله
الله اعلم
لا اله الا الله
الله اعلم
لا اله الا الله
الله اعلم
لا اله الا الله
الله اعلم

كَلَّمَ شَهِيدًا ۹۹
هر چیزی که گواهی دهد
بگذرد ایشانرا

مِنْهُ مَنْ لَفَّ أَرْبَعًا أُولَئِكَ
کسانی که از رسیدن کلمه شش باره وی معصی
نمانند

شَئٍ مَّحِطٍ ۹۹
چیزی داناست



سُورَةُ عَشْرِ حَسْبِ آيَةٍ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بِسْمِ ایزدگاری که در حق او انذار نماید
نموده داری که در حق او انذار نماید
کتابی که در حق او انذار نماید